

# تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین

حسین بن محمد حسن قمی  
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

## بخش چهارم

### فصل هشتم<sup>۱</sup> از باب سیم

در ذکر روضه مقدسه حضرت فاطمه معصومه بنت موسی بن جعفر (علیهم السلام) و ابنیه‌ای که متعلق به آن است: در کتاب تاریخ قم مذکور است که چون حضرت فاطمه معصومه بنت موسی جعفر (علیهم السلام) در زمین بابلان مدفون گردید، پس در سنه ۲۵۶ [قمری] موسی بر سر قبر مطهر او سقفی از بوریا بزد، پس در سنه ۲۵۶ [قمری] موسی مبرق، فرزند حضرت امام محمد تقی جواد (علیهم السلام) به قم آمد؛ بعد از آن خواهرهای او زینب و امّ محمد و میمونه به طلب او از کوفه، به قم آمدند و از عقب ایشان بریهه دختر موسی المبرق بیامد و ایشان به مقبره بابلان، آنجا که قبر فاطمه بنت موسی بن جعفر (علیهم السلام) است، مدفون می‌باشند. و در مقبره بابلان، دو قبه بوده است: قبه اول که قبر حضرت فاطمه (علیها السلام) در اوست از بناهای زینب دختر حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) است که پس از این که از کوفه به قم آمد، بر سر تربت مطهر آن حضرت قبه‌ای مسقف ساخت و قبه دیگر را رؤسای اشعریین ساختند. و در این قبه اول سه قبر است، چنانچه در تاریخ قم<sup>۲</sup> و کتاب بدر مشعشع مسطور است.

### قبه ثانیه

قبر زینب بنت الجواد (علیها السلام).

قبر بریهه بنت موسی المبرق، خواهر محمد بن موسی (علیه السلام).

قبر امّ القاسم دختر علی کوچک المشهور به کویبی.

قبر امّ حبیب جاریه ابوعلی محمد بن احمد [بن الرضا (علیه السلام)]<sup>۳</sup>.

پس از این قرار معلوم شد که در این دو قبه، چهار نفر خانم و سه نفر کنیز مدفون می‌باشند و این دو قبه به یکدیگر، ملصق بوده است و بعد از آن به مرور دهور، شیعیان و دوستان آل اطهار مرافق چندی بر این بنا افزوده‌اند، چنانچه باز در تاریخ قم مذکور است که: «ایوان طرف رودخانه از قبه مطهره را کافی الکفات صاحب بن عباد که از وزرای دیالمه است، ساخته است و این در که برابر رودخانه است، از قبه مطهره، چون کوچک و کوتاه بوده، ابوالحسین زید بن احمد بن بحرافهانی، عامل بلده قم، در سنه ۳۵۰ [قمری] آن را بزرگ گردانید هم در طول و هم در عرض، تا اینجا کلام صاحب تاریخ قم بود که مذکور شد.»<sup>۴</sup>

و در کتاب جنة النعمیم فی ذکر حالات عبدالعظیم که از تألیفات حاج شیخ محمد باقر واعظ است، مذکور است که بنیان بقعه و گنبد مطهر فاطمه معصومه دختر حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) در سنه

### قبه اول

قبر حضرت فاطمه معصومه بنت موسی بن جعفر (علیه السلام)

قبر امّ محمد بنت موسی خواهر محمد بن موسی [مبرق].

قبر امّ اسحاق، جاریه محمد بن موسی [مبرق].

۱. تاریخ قم، ص ۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۴.

۳. تاریخ قم، ۲۱۴، ۲۱۶.

۴. همان، ص ۲۱۴.

محوطه روضه در آمده است. در سال ۱۰۵۳ قمری مولانا فیض کاشانی، مدرسه قدیمی را خراب کرد و مدرسه جدیدی بنا نهاد، سپس شاه قلی خان، حکمران قم، در ۱۰۵۴ قمری، و پس از وی اعتماد الدوله میرزا تقی خان - وزیر شاه عباس ثانی - مدرسه‌هایی بنا نهادند.

در سال ۱۰۷۷ قمری، شاه سلیمان، گنبدی بر مدفن شاه عباس ثانی بنا نهاد و در سال ۱۱۲۰ قمری، شاه سلطان حسین صفوی، بنای دیگری بر مدفن شاه سلیمان و سرانجام در زمان اشرف افغان، بناهایی بر مزار شاه سلطان حسین و سی و یک تن از شاهزادگان مقتول صفوی، بنا کردند.

در سال ۱۱۴۲ قمری، پس از شکست اشرف افغان، دو تالار بزرگ بر قبور مزبور ساخته شد. در سال ۱۲۱۳ قمری، فتحعلی شاه قاجار، مدارس سه گانه را خراب و به دو مدرسه کنونی تبدیل کرد و خانه‌هایی را نیز بنا و با کلیه اثاث و لوازم، وقف حرم کرد که اینک جزو بخش‌های تابع مسجد اعظم درآمده است. او در ۱۲۱۸ قمری به تذهیب گنبد پرداخت و با دوازده هزار خشت زرین گنبد را آراست. ارتفاع گنبد از سطح بام ۱۶ متر و از سطح زمین ۳۲ متر است. پیرامون خارجی آن ۳۵/۶ و پیرامون داخلی آن ۲۸/۶۶ و قطرش دوازده متر است.

در سال ۱۲۲۵ قمری به امر فتحعلی شاه، ایوان شمالی تعمیر و کاشی‌کاری شد و در ۱۲۴۵ قمری نیز، به دستور وی ضریح فولادین را نقره پوش و حرم مطهر را مرمر پوش کرد.

در سال ۱۲۶۶ قمری، ناصرالدین شاه مقبره پدر خود - محمد شاه قاجار - را بنیان نهاد و آیینه‌کاری آرامگاه فتحعلی شاه را به گجبری تبدیل ساخت و ایوان شمالی را با خشت‌های طلا آراست. در سال ۱۲۸۶ قمری، محمد حسین خان شهاب الملک شاهسونند نیز، به تجدید بنای دو گلدسته پرداخت. در سال ۱۲۹۹ قمری شاهزاده کامران میرزا، بام و میله دو گلدسته مزبور را با خشت‌های زرین آراست و مدرسه شمالی را دارالشفای ساخت. در سال ۱۲۹۶ قمری، ابراهیم خان امین السلطان، نقشه بنیان صحن جدید را طرح کرد و کار تکمیل آن را پسرش علی اصغر خان اتابکی، در سال ۱۳۰۳ قمری، به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۷ قمری، آیت‌الله فیض، به توسعه مسجد بالای سر پرداخت و عمارت مدرس را در محاذات مقبره شاه سلیمان صفوی، برای تدریس خویش بنا نهاد و در سال ۱۳۶۰ قمری، سید ابوالفضل تولیت، به تجدید آن همت گمارد، بنای کنونی را با دو پوشش تیر آهنی بدون ستون بنا نهاد.

در سال ۱۳۸۰ قمری، حاج سید محمد طباطبایی (آیت‌الله زاده قمی) صحن مقبره شاه صفی را خراب و با افزودن قسمتی از اراضی خارج، مسجد مجلل کنونی را با گنبدی مرتفع و معظم بنا نهاد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۷۵ قمری، آیت‌الله فیض، آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی، به گسترش و تعمیر مدرسه فیضیه، در جنب صحن مطهر پرداختند.

آستانه قم در حال حاضر، مرکب از بناهای زیر است:

۱. مرقد حضرت معصومه (س) و گنبد فراز آن، با رواق‌ها، دو مسجد بالاسر، موزه، دو ایوان طلا و آئینه و مناره‌ها.
  ۲. صحن عتیق با سردر شمالی آن و مقابر پادشاهان قاجار.
  ۳. صحن نو با ایوان‌ها و سردرها و مناره‌ها.
  ۴. مقابر پادشاهان صفوی در مجاورت مرقد مطهر و پادشاهان قاجار.
- (نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱/۳۵۸-۳۶۰؛ دائرة المعارف تشیع، ۸۷-۸۲/۱؛ گنجینه آثار قم، ۱/۴۳۰-۴۵۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۶۲-۳۶۳؛ تربت پاکان، ۱/۱۷۱-۱۱۸).

۱۵۲۹ [قمری] به امر مرحومه شادبیگم دختر عماد بیگ نام، انجام یافت و ظاهراً همین بقعه و گنبد حالیه بوده باشد که آن دو بقعه را خراب کرده‌اند و بقعه حالیه را بنا کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. این تاریخ بی‌گمان نادرست است؛ زیرا قزوینی رازی (متوفی ۵۶۰ قمری) در کتاب النقص از بنای ابوالفضل عراقی، سخن می‌گوید. اگر شاه بیگم نامی بر بقعه فاطمیه بنایی ساخته بود، وی آن را یاد می‌کرد. این اشتباه ظاهراً باید از تشابه دو رقم «۹۲۵» و «۵۲۹» و «عماد بیگ» و «مهماد بیگ» و ریختگی‌های کتبی‌ای که واعظ کجوری و آل بحر العلوم آن را نقل کرده‌اند، ناشی شده باشد، به ویژه که فیض در گنجینه آثار قم اشتباه وی را در ذکر تاریخ بنا، ناشی از آن می‌داند که مطابق رسم آن روزگار، اعداد روی کتیبه‌ها را معکوس می‌نوشتند. خود فیض، نمونه‌هایی از این گونه تاریخ نویسی را دیده و شواهدی از آن را آورده است (نک: تحفة العالم، آل بحر العلوم، ص ۳۶، نجف ۱۳۵۴ ق؛ گنجینه آثار قم، ۱/۴۴۰-۴۴۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱/۳۵۹؛ جنة النعم و العیش السليم في احوال السيد الکريم و المحدث العليم عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی، ص ۴۵۹).

۲. چنانکه پیش از این اشاره شد، در سال ۲۵۶ قمری، زینب - نواده امام جواد علیه السلام - بنایی بر تربت حضرت معصومه (ع) بنا نهاد که تا واسط سده پنجم قمری، بر جای بوده است. درگاه غربی بنا را ابوالحسین زیدبن احمد بن بحر اصفهانی، عامل قم، در سال ۳۵۰ قمری، توسعه داد و دری بر آن نصب کرد.

در سال ۴۵۷ یا ۴۷۷ قمری، در جای چند بنای ساخته شده، امیر ابوالفضل عراقی - از رجال دوره طغرل سلجوقی - بنایی به قطر داخلی حدود ۱۱ و ارتفاع ۱۴ متر بنا نهاد که سه بنای کوچک‌تر قبلی را در بر گرفت. این بنا از داخل و خارج به شکل برجی و بدون ایوان و بخش‌های تابعه بوده که پوشش داخلی آن عرقچینی و پوشش بیرونی آن، کلاهخودی با گردنی بلند و آراسته به نقوش و تزیینات آجری و کاشی‌کاری معقلی بوده است. وی همچنین به خاطر گود افتادن سطح حرم از قبرستان اطراف، پوششی در ساقه بنا اضافه کرد و سرداب کنونی بنا را به وجود آورد و بناهایی نیز، از جمله مسجدی در اطراف حرم بنا نمود.

در آغاز سده هفتم قمری، امیر مظفر بن احمد بن اسماعیل - نواده مختص الملوک ابونصر احمد بن فضل بن محمود کاشی - وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی، مرقد را با بهترین نوع کاشی زرین فام به سال ۶۱۳ قمری، تزیین کرد.

در سال ۹۲۵ قمری (چنانکه اشاره کردیم) شاه بیگم صفوی - دختر شاه اسماعیل صفوی - گنبد پیشین را تجدید کرد و بنایی هشت ضلعی با ایوانی زیبا و دو مناره بلند با صحن و بناهایی دیگر بنیان نهاد و بر مرقد نیز، ضریحی قرار داد. در واقع شاه بیگم صفوی، گنبد و بنایی را که ابوالفضل عراقی بنا نهاد بود، ویران کرد و گنبدی دیگر ساخت که اکنون باقی است.

در سال ۹۳۹ قمری، شریف نقیب سید اسحاق تاج الشرف موسوی، ایوان مجللی به نام «عتبه روضه فاطمیه» در مدخل شمالی صحن عتیق بنا نهاد.

در سال ۹۵۰ قمری، شاه طهماسب برای آستانه، مضیف خانهای بنا نهاد و در سال ۱۰۵۲ قمری که جسد شاه صفی را در جنوب حرم دفن کردند، شاه عباس ثانی، بر فراز آن بقعه‌ای بنا نهاد که اکنون به نام حرم زانه جزو

و در سنه ۹۲۵ هجری، شاه اسماعیل صفوی، بر مرافق این بقعه افزوده و ایوان طلا را ساخته و گنبد مطهر را کاشی معرق نموده و آیینة این روضه مطهره از بناهای خاقان فتحعلی شاه قاجار است که در سنه ۱۲۴۵ هجری، به دستیاری شاهزاده کیکاووس میرزا<sup>۱</sup> حکمران قم، فرزند خاقان مغفور، به اتمام رسید و ازارة<sup>۲</sup> بقعه مطهره، کاشی معرق بوده است.<sup>۳</sup>

در سنه ۱۳۰۵ [هجری] میرزا اسماعیل خان امین‌الملک<sup>۴</sup> برادر صدراعظم، آن کاشی را خراب نموده و سنگ مرمر می‌نماید.

### مرقد و ضریح مطهر<sup>۵</sup>

قبر مطهر طرف بالای سر در زاویه واقع شده و این بنده مؤلف از یک نفر از خدام والا مقام که اعتماد تامی به او داشتم، شنیدم که گفت: «وقتی شکافی در مرقد مطهر واقع شد، به نحوی که قبر آن مخدّره، آشکار شد، مشاهده نمودم، دیدم که قبر طرف بالای سر واقع است، به ارتفاع شش کره از زمین. طول قبر، تقریباً دو ذرع و نیم و عرض آن یک ذرع و سه چاریک و به پارچه سیاهی قبر را پوشانیده بودند و رحل و قرآنی بر روی قبر بود.» انتهی کلامه.

بر دور قبر مطهره، دیواری محاط علیه کشیده به ارتفاع دو ذرع و قبر مطهره در میان آن واقع است و بر روی آن کاشی معرق بسیار ممتازی است. کتیبه‌ای دارد که صلوات کبیر را به خط ثلث بسیار خوب نوشته‌اند و از بناهای شاه طهماسب اول است و دری متصل به این دیوار محاط علیه است که بر روی جمیع او صفحات طلا، مینا

۱. کیکاووس میرزا، پسر بیست و هشتم فتحعلی شاه قاجار. وی مدتی حاکم قم بود و در ایام حکومت خود، عمارت دیوانی جنب حرم مطهر را ساخت و برای تزیین عمارت و خوش آمد پدر خود، دستور داد که در روی دیوارهای تالار بیرونی آن، نقاشان صورت فتحعلی شاه قاجار را با نزدیک ۱۵۰ نفر از اولاد و احفاد او که در آن زمان در قید حیات بودند، بکشند و در این تاریخ قسمت اعظم آن نقاشی‌ها باقی مانده است و در ۱۲۵۱ قمری که هنوز حاکم قم بود، جدار حرم را آیینه کاری کرد: شرح حال رجال ایران، بامداد، ۱۷۹/۳؛ گنجینه آثار قم، ۴۲۱/۱؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۶۲.

۲. در اصل: «اذاره».

۳. بنای فعلی حرم، چنانکه اشاره شد، توسط شاه بیگم در سال ۹۲۵ قمری ساخته شده است. قاعده حرم به صورت هشت ضلعی غیر متساوی و دارای هشت صفا است. پس از این قسمت، قاعده گنبد و سقف است که با مقرنس‌های تزیین شده قرار دارد. ازارة بنا به ارتفاع ۱/۵ متر از سنگ مرمر پوشیده شده است و پس از آن کتیبه‌ای سراسری از کاشی معرق به خط ثلث طلایی و سفید در زمینه لاجوردی میان دو حاشیه از کاشی فیروزه‌ای واقع شده و متن این کتیبه، چند حدیث نبوی، در ستایش پیروان خاندان پیامبر است. پس

از آن بدنه، حدود سه متر آیینه کاری شده است و پس از آن کتیبه‌ای سراسری به خط ثلث برجسته گچبری شده که متن آن مدح حضرت علی علیه السلام و آیات قرآنی به تاریخ ۱۲۵۱ قمری است. بر فراز این کتیبه، طاقبند قوسی توأم با مقرنس صفاها بالا می‌آید و با کمک نیم طاقی‌ها که پوشش آنها با پوشش صفاها هم‌مطراز است، صورت هشت ضلعی به شانزده ضلعی متساوی الاضلاع تبدیل و پطاق پوشش گنبدی بر پا می‌شود. بر فراز بنا، گنبدی با بلندی ۱۶ متر - از سطح بام - برپاست که در سال‌های ۱۲۱۵-۱۲۱۸ ق به خشت‌های زرین آراسته شد. سطح خارجی گنبد از بام تا ارتفاع ۹۰ سانتی متری، آجرپوش و سپس تا یک متر دیگر از کاشی خشتی فیروزه‌ای پوشیده شده و سپس بقیه ارتفاع را با خشت‌های زراندود آراسته‌اند. متن کتیبه گرداگرد به خط نستعلیق مهدی ملک الکتاب تهرانی، قصیده‌ای از فتحعلی خان صبا می‌باشد. سطح داخلی گنبد آیینه کاری است (نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۰/۱-۳۶۱؛ دائرة المعارف تشیع، بناهای آرامگاهی، ص ۳۶۳؛ گنجینه آثار قم، ۴۴۴/۱-۴۴۵ و ۴۵۰-۴۵۶).

۴. میرزا اسماعیل خان برادر صدراعظم اتابک امین‌السلطان، فرزند سوم ابراهیم امین‌السلطان (۱۲۸۴-۱۳۱۶ ق/ ۱۸۶۷-۱۸۹۹ م). وی در آغاز آخوند و معمم بود و پس از این که در سن هفده سالگی لقب «امین‌الملک» گرفت از زنی روحانیت خارج شد و در ۱۳۰۳ قمری و در بیست سالگی، به عضویت دارالشورای کبری درآمد و پس از آن مقام و منصب‌های گوناگونی به عهده داشت. او در ۱۳۱۶ قمری در حالی که وزیر کشور بود در ۳۳ سالگی دیده از جهان فرو بست و در مقبره خانوادگی خویش در قم به خاک سپرده شد: شرح حال رجال ایران، ۱۲۷/۱-۱۲۹؛ خاطرات و خطرات، ص ۱۰۱؛ فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، ۱۴۰/۲.

۵. مرقد مطهر، امروزه در میان دو ضریح، از دید پنهان است و با کاشی‌های بسیار نفیس و زیبایی اواسط سده هفتم قمری پوشیده شده که از تنوع و استادی قابل ستایش برخوردار است. نام سازنده این کاشی‌ها بر کتیبه‌ای چنین مندرج است: «عامل هذه الكتابة والصنعة العبد الضعیف الفقیر محمدبن ابی طاهر بن ابی الحسین».

در سال ۹۵۰ قمری، توسط اعتماد الدوله قاضی جهان حسینی و در دوره شاه طهماسب صفوی، در اطراف این مرقد، ضریحی از کاشی به ابعاد ۲۴/۸۰ × ۴/۴۰ متر، ساخته شد که در جدارش از چهار جانب، هشت منفذ به شکل مستطیل برای مشاهده مرقد، بازگذاشته شده بود. جدار این دیوار از خارج با کاشی‌های معرق زمینه فیروزه‌ای و از داخل با کاشی‌های خشتی منقش هفت‌رنگ پوشش یافته است.

در بالای منافذ ضریح، درگاهی بادر خوبی برای ورود به محوطه مرقد تا سال ۱۲۱۳ قمری، باز بوده که فتحعلی شاه قاجار در طلایی کنونی را به جای آن نصب کرد و دارای دو لنگه و کتیبه‌هایی به تاریخ فوق است.

در ۹۵۱ قمری، شاه طهماسب صفوی، ضریحی فولادی بر ضریح کاشی قرار داد و در دوره ناصرالدین شاه قاجار، به جای آن ضریحی نقره‌ای نصب کردند که در سال‌های بعد چندین بار تجدید گردیده است: تلخیص از بناهای آرامگاهی، ص ۳۶۳ و نک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۳۶۲/۱-۳۶۳؛ دائرة المعارف تشیع، گنجینه آثار قم، ۴۱۵/۱-۴۱۷ و ۴۵۶-۴۸۲.

و قصیده کتیبه این است:

یا رب این خلد برین یا جنة المأوستی  
یا مگر آرامگاه بضعة موساستی  
فاطمه اخت الرضا سلطان دین کز روی قدر  
خاک درگاهش عبیر طرّة حوراستی  
این مهین بانو که در درج شرافت اختری است  
نسل پاک زاده انسیه حوراستی  
مرقد نورانش گویا ریاض جنّت است  
تربت پاکش ز مشک و عنبر ساراستی  
خواندمش عرش معظم، بانگ برمن زد خرد  
کاین خطا گفتمی! بر آن افزودی و زین کاستی  
حقّ امّ و آب اگر مانع نبود، گفتمی  
آدمش خادم زجان و خادمه حواستی  
ملجأ اهل زمان و شافع یوم المعاد  
خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی  
حبّذا این آستان آسمان رفعت کز او  
هم ید موسی عیان هم آیت عیاستی  
هر چه جز نور خدا خوانم ورا، باشد خطا  
غیر مدحش هر چه گویم سربه سر بیجاستی  
مدحتش را می نشاید کرد در دفتر بیان  
آنکه شأن و قدرش از هفت آسمان اعلاستی

کرده است و این در از بناهای خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار است.  
بر دور این در به خط آقا مهدی ملک الکتاب، صلوات کبیر نوشته، در  
وسط این در، این رباعی که گفته فتحعلی خان ملک الشعراست نیز، به  
خط آقا مهدی ملک الکتاب طهرانی نوشته شده است:

این در که به فردوس برین دارد ناز  
سایند به ساختش شهان روی نیاز  
امروز متاب رو از این، تا فردا  
درهای بهشت بر رُخت گردد باز

و بر بالای این در صفحه‌ای از طلاست که بر روی آن قطعه‌ای از  
ملک الشعرا نوشته شده، چون مینای آن ریخته است، این بنده  
نتوانست بخواند [اما] فرد آخر قطعه که ماده تاریخ اوست، خوانده  
شده، این است:

بنوشت صبا ز بهر تاریخ  
«ز زین بود این در از شهنشاه»<sup>۱</sup>

و متصل به این بنا ضریحی است از نقره خام بنا شده، این بنا از  
بناهای شاه طهماسب اول است.<sup>۲</sup> این ضریح به مرور ایام و استلام  
زوار شکسته و گسیخته شده بود. مرحوم حاج میرزا سید حسین متولی  
باشی، در سنه ۱۲۷۴ [هجری] به عرض ناصرالدین شاه رسانید که  
ضریح نقره، از حلیه آبادی عاطل شده، اجازه فرماید او را برداشته،  
ضریحی از نو بسازیم، آنچه این ضریح را نقره است به کار رود و آنچه  
کسر آید از خزانه سرکار فیض آثار داده شود، چه بعضی آلات نقره در  
خزانه مبارکه حاضر است که مهمل و بی فایده است؛ ولی مزد  
و اجرت کارکنان و استادان این ضریح را باید حضرت شاهنشاهی،  
متحمل شوند. عرض ایشان به عَزَّوَجَلَّ قبول متلقی شده، به ذوالفقارخان  
خلف میرزا آقا خان اعتمادالدوله صدراعظم نوری که در آن زمان  
حکمران قم بوده، احکام صادر شده که اجرت کارکنان ضریح مطهر را  
از وجوه دیوانی بدهد. چون آن ضریح قدیم را بر هم زده، نقره او را آب  
کرده، غال گذاشتند، پنجاه هزار مثقال نقره خالص درآمد؛ موازی  
چهل و سه هزار مثقال نقره دیگر، از خزانه سرکار فیض آثار، بیرون  
آورده، غال گذاشتند [و] این ضریح را بنا نمودند که ضریح مطهر را نود  
و سه هزار مثقال نقره خالص به کار رفته و مبلغ یک هزار تومان مزد  
و اجرت کارکنان ضریح مطهر شده (و معلوم باد که یک مثقال به  
وزن ۲۴ نخود است و هر نخودی، به وزن چهار گندم است).

مرحوم شیخ محمدرضا<sup>۳</sup> که از اجلة فضلا و خدام سرکار فیض  
آثار بوده است، این قصیده را عرض کرده، در کتیبه دور ضریح مطهر به  
خط میرزا علی رضای مستوفی سرکار فیض آثار نوشته شده  
و ستون‌های ضریح مطهره که اسامی جلاله، در آن منقوش است به  
خط ثلث، به خط میرزا علی اکبر متولی بقعه فتحعلی شاه است

۱. مصرع: «ز زین بود این در از شهنشاه» به حروف ابجد مساوی با عدد  
(۱۲۱۳) است که سال ساخت آن را نشان می‌دهد.

۲. چنان‌که اشاره کردیم، ضریحی که شاه طهماسب، جلو ضریح کاشی  
نصب کرد، ضریح فولادی بود و این‌که مؤلف آن را ضریح نقره  
فرض کرده، اشتباه است و گویا منشأ این اشتباه، گفته‌های تاورنیه  
فرانسوی است که آن را نقره فرض کرده است. در حالی که پادشاهان  
صفوی، از طلا و نقره کاری که مخالف حکم شریعت بود امساک  
می‌کردند، جز در مواردی که علما و فقها به عنوان تعظیم شعائر  
مذهبی اجازه می‌دادند. در سال ۱۲۳۰ قمری فتحعلی شاه قاجار  
فرمان داد تا همان ضریح فولادی شاه طهماسب را نقره پوش ساختند  
و بر فراز پایه‌ای از مرمر صیقلی و به شکل پخ نصب کردند و این  
ضریح نقره پوش بود که به مرور زمان فرسوده، و جدار مشبک آن از  
هم گسسته شد و حاج میرزا سید حسین متولی باشی با دریافت  
اجرت کارگران از ناصرالدین شاه در مقام تجدید آن برآمد و این امر،  
بر خلاف گفته مؤلف، از سال ۱۲۷۵ شروع و در سال ۱۲۸۰ قمری  
پایان یافت (نک: سفرنامه تاورنیه، ص ۲-۸۳؛ گنجینه آثار قم،  
۴۷۵/۱-۴۷۶).

۳. محمدرضا معروف به «شیخ استاد» از ادیبان و شاعران زمان خویش  
و خادم آستانه مقدسه؛ اما در منابع و مآخذ موجود و در دسترس،  
مطلبی راجع به وی نیافتیم.

از علو شأن او من شمه‌ای کردم بیان  
 مهرومه مشغول ذکر و خطبه غراستی  
 باکی از محشر و بیم از حشر نبود هر که را  
 در جوار حضرت تو مدفن و مأواستی  
 هر که بگذارد قدم در آستان صحن او  
 گومنه پای بی‌ادب کاین سینه سیناستی  
 حضرت صادق بحق ناطق چنین فرموده است  
 در جزای زائر او جنة المأواستی  
 زمرة کز ویان و جمله روحانیان  
 از برای خدمتش بر پا و پا برجاستی  
 لوحش الله مرحبا زاین بارگاه باشکوه  
 کز شرف برتر از این نه گنبد میناستی  
 هر سلیمان حشمتی و هر فریدون شوکی  
 بر درش چون سائلان در روز و شب بر پاستی  
 مرحبا ای مرز و بوم قم کت از نه آسمان  
 قدسیان از شش جهت همواره جهت ساستی  
 یخ ای صُفّه‌ئی همایون، به به ای قصر رفیع  
 ای کت این یک پله این نه گنبد میناستی  
 مدرسش با حوض‌ها و سروهای با صفا  
 آن بهشت این آب کوثر وان دگر طوباستی  
 کرسی است این بر فراز عرش یا گلدسته است  
 کز بها خود رشک خورشید جهان آراستی  
 یارب این گلدسته یا عرش است بر کرسی سوار  
 یا که زرین کوه را بر کوه سیمین جاستی  
 مضجع پاکان دین و مهبط روح الامین  
 ممکن اهل یقین و مدفن حواستی  
 کرده معماری این جنت سرا پیک خلیل  
 موضع رَجُلین او تا حالیا برجاستی  
 عرصه قم از ید فرعونیان اندر امان  
 چون محل آمن و مأوای عصا موساستی  
 خادمان در گهش بی‌سروران چون سرورند  
 در حجاب از حاجبانش بوعلی سیناستی  
 گو بیاید تا ببیند این همایون بارگاه  
 آن که منکر بر وجود جنت دنیاستی  
 چون بدیدی این بنا را عقل گفתי کاسمان  
 صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی  
 مهر و مه بر آستان عرش بنیان درش

چون کنیز و چون غلامان در حبش مأواستی  
 ای مهین بانوی کاخ عصمت ای مایه‌ئی وجود  
 ای که خاک در گهت رشک دم عیباستی  
 نی عجب در یوزه را گر من شدم بر آستان  
 کت گدای آستان، اسکندر و داراستی  
 روشنان چرخ پیش روشنان روضه‌ات  
 هم چه پیش مهر روشن تیره جان حرباستی  
 مست بوی خاک کوی تو جهان باشد سپهر  
 کش به نیلی خم تو گویی یک جهان صهباستی  
 گرچه زیر معصیت وامانده خدام درت  
 در جمالت شرمسار از دیده طوفان واستی  
 از پی تاریخ این «استاد خادم» زد رقم  
 «جنت عدن این پیا یا قاب او ادناستی»<sup>۱</sup>

این قصیده را میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی<sup>۲</sup> الاصل

۱. مصرع «جنت عدن این پیا یا قاب او ادناستی» به حروف ابجد، مساوی با عدد «۱۲۹۰» است که سال اتمام کار ضریح و یا چنانکه برخی کلمه «پیا» را «بنا» خوانده‌اند، مساوی با عدد «۱۳۳۸» است که احتمالاً هنگام تجدید ضریح در سال ۱۳۳۸، این کلمه را تعبیر داده باشند که در این صورت مصرع مزبور از شیخ استاد نیست. البته مؤلف به جای «قاب» از کلمه «قرب» استفاده کرده که قطعاً غلط است: چون در این صورت، دویست سال اضافه می‌شود که به یقین غلط است. چنانکه مؤلفین کتاب «راهنمای قم» نیز چون کلمه «قاب» در این مصرع را نتوانسته‌اند قرائت کنند، آن را لایقرء خوانده‌اند و لفظ «پیا» را نیز، به «بنا» تغییر داده‌اند (نک: گنجینه آثار قم، ۱/۴۸۰).

۲. میرزا محمدعلی خان بن قنبر علی اصفهانی سده‌ی، متخلص به «سروش» (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ق/ ۱۸۱۳-۱۸۶۸ م) ادیب و شاعر معروف اصفهانی، ملقب به خان و شمس الشعرا. وی در سده اصفهان دیده به جهان گشود و تحصیلات خود را در همان جا گذراند و سپس به گلپایگان رفت و پس از آن راهی تهران شد و بعد به اتفاق شاهزاده محسن میرزا متخلص به «دارا» به تبریز رفت و به دربار ناصرالدین میرزای ولیعهد راه یافت و لقب «شمس الشعرا» گرفت و پس از چهارده سال همراه ناصرالدین شاه به تهران آمد و به دستور بهمن میرزا پسر چهارم عباس میرزا نایب‌السلطنه، اشعار عربی «الف لیله» و لیله را به فارسی بلیغ و شیوایی ترجمه کرد و در تهران دیده از جهان فرو بست. آثار وی عبارتند از: قصاید و فتننامه‌ها و مثنوی‌هایی مانند: «ادبیهشت‌نامه»، «ساقی‌نامه»، «الهی‌نامه»، «روضه‌الانوار» در ذکر واقعه کربلا، کتابی به نام شمس المناقب حاوی قصایدی در مدح و منقبت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان نبوت و دیوانی به نام زینة المدایح؛ مکارم الآثار، ۷۵۸-۷۵۶؛ مجمع الفصحاء، ۴/۴۰۶-۴۰۹؛ حدیقه الشعراء، ۱/۷۶۷-۷۷۳؛ از صبا تا نیما، ۱/۸۳-۹۳؛ ریحانة الادب، ۳/۲۰؛ الذریعه، ۹/۴۴۳-۴۴۴؛ شرح حال رجال ایران، ۳/۴۳۲-۴۳۳؛ سرآمدان فرهنگ ایران، ۱/۴۵۲-۴۵۳؛ گنج سخن، ۳/۲۲۰-۲۲۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی مشار، ۴/۲۶۷-۲۶۹؛ اثر آفرینان، ۳/۲۳۹.

و طهرانی المسکن در تاریخ اتمام ضریح منوره حضرت معصومه، به امر ناصرالدین شاه قاجار، به نظم آورده است:

چه برج است این در او یک چرخ اختر  
 چه درج است این در او صد گنج گوهر  
 ندیدیستی اگر چرخسی به برجی  
 و یا درجی دگر صد گنج مضمهر  
 در این خرم حرم با چشم دل بین  
 ضریح بضعة موسی بن جعفر  
 مبارک اختری پنهان در این برج  
 غلامش صد هزاران سعد اکبر  
 گر او دیدار بنماید ز نورش  
 زمین و آسمان گردد منور  
 ضریحش چون تن حوران مصفا  
 حریمش چون دل پاکان مطهر  
 نهاده قدسیان بر تربتش روی  
 چنان چون خسروان بر حضرتش سر  
 همی گردد به گرد خوابگاهش  
 چه دیگر زائران چرخ مدور  
 ز صندوقش همه روزه به عیوق  
 بر آید بوی مشک و بوی عنبر  
 به خاک آستانش روی سودن  
 به است از روی شستن ز آب کوثر  
 همی خواهد ز بهر پرده داریش  
 گزیند هجرت از فردوس هاجر  
 در قصر جنان گردد گشاده  
 ضریحش را گشاده چون شود در  
 زمین بوس درش را ساره هر روز  
 اجازت باید از فرزندان هاجر  
 همه روزه ز سوی بارگاهش  
 ز گردون کاروان آید مکرر  
 طواف بارگاهش زائران را  
 طوافی دان به گرد عرش داور  
 چنان چون نازش حوا به زهرا  
 همی نازد بدو زهرای اطهر  
 قنادیلش به جای ماه پروین  
 حریم او به جای چرخ اخضر  
 بساطش بوسه گاه شهریاران  
 بدو امید درویش و توانگر

فرستد قبه اش بر آسمان نور  
 فروشد روضه اش بر اختران فر  
 به زیر گام زائر هر شب و روز  
 فرشته پرفشان و بال گستر  
 اگر خورشید افسر بر نهادهی  
 ز سنگ آستانش کردی افسر  
 حریمش بیت معمور است گویی  
 که بر روی زمین گشته مصور  
 زمین بارگاه اوست هموار  
 ز نقش جبهه شاهان مقمر  
 به سیم خالصش از روی اخلاص  
 همی آراست سلطان مظفر  
 مؤید ناصرالدین شاه غازی  
 موفق پادشاه عدل گستر  
 خلوص او به این فرخنده خاتون  
 بود چون سیم خالص پاک چون زر  
 بلند ایوان او را کرد زرین  
 ضریح پاک او را سیم پیکر  
 بود درج در عصمت زریحش  
 در او گنج در عصمت مستر  
 سروش از بهر تاریخش چنین گفت:  
 «عجب درجیست در وی گنج و گوهر»<sup>۱</sup>

کتیبه سنگ مرمر ضریح مقدس پایین پای ضریح متصل به سطح حرم مطهر از جوانب اربعه سنگ مرمر است؛ بانی آن فتحعلی شاه قاجار است. طرف ایوان طلا از گفته فتحعلی خان صبا<sup>۲</sup>، کتیبه‌ای

۱. مصرع «عجب درجیست در وی گنج و گوهر» به حروف ابجد مساوی است با عدد (۱۲۸۲) که سال ساخت ضریح است و سروش سه سال پیش از مرگ خویش آن را سروده است. البته مشخص نیست که چرا در قصیده شیخ محمدرضا ادیب معروف به «شیخ استاد» و متخلص به «استاد» سال اتمام ضریح ۱۲۹۰ قمری است و در این قصیده ۱۲۸۲ قمری، جمع بین این دو تاریخ به این است که فرض کنیم سروش اصفهانی دو سال بعد از پایان کار ضریح این قصیده را سروده باشد و استاد نه سال بعد در تعمیر دیگری، چون پیش از این اشاره شد که سال اتمام کار ضریح ۱۲۸۰ قمری بوده است و سال شروع آن ۱۲۷۵ قمری.

۲. فتحعلی خان بن آقا محمد کاشانی متخلص به «صبا» (متوفی به سال ۱۲۳۸ ق/ ۱۸۲۳ م) شاعر و ادیب و ملقب به «ملک الشعرا» و «احساب المعالک». وی در کاشان به دنیا آمد و نزد حاجی سلیمان بیگ صباحی بیدگلی، دانش آموخت. او در آغاز مداح لطفعلی خان

دارد، به خط آقا مهدی ملک‌الکتاب و آن این است:

تبارک‌الله از این بارگاه عرش آهنگ  
 نه بلکه عرش بر فرشت آگینه سنگ  
 ز شرح قبّه زرینت عرش را گویند  
 که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ  
 فرود بودن خویش و فراز رفتن آن  
 ز من بجو که ز عرشم گذر کند آهنگ  
 چه همترازی فرش تو خواست گردد عرش  
 نخست ریخت بر این کفه اختران چون سنگ  
 چه گشت هم کفه با فرش لامکان سنگت  
 تو سوی ماهی و آن سوی ماه کرد آهنگ  
 بلی چه در دل تو گوهر گران سنگی است  
 سزد بدارد اگر با وی آفرینش سنگ  
 همان خجسته گهر بنت موسی جعفر علیه‌السلام  
 که آمد از گهر آرا چنین به فرّو به هنگ  
 جهان عصمت و گردون مجدّ و دهر شرف  
 که هست روضه رضوان از او به بوی و به رنگ  
 پی طواف حریم وی از عوالم قدس  
 به هر صباح و مسا قدسیان کنند آهنگ  
 ز نه رواق فلک هفت بانوی عذرا  
 به دامن شرفش افتخار را زده چنگ  
 به آستانش همواره خسروان زمین  
 به سجده، خاصه شهنشاه آسمان اورنگ  
 ابوالمظفر فتحعلی شه قاجار  
 که آسمان وزمین زاوست در شتاب و درنگ  
 شهی که داد ز نیروی آتشین آبی  
 به باد خاک ملوک زمانه در صف جنگ  
 کنند نیاز به فرّ و به فال او جمشید  
 برّد نماز به هوش و به هنگ او هوشنگ  
 چه دید روضه خاتون خلد فاطمه را  
 خراب زین فلک گوژپشت پر نیرنگ  
 ز چرخ کرده پر اورنگ ابرویش در کین  
 ولی ز گنج گهر کرده چاره آرنگ  
 فشاند زرّ و گهر خوارتر ز خار و ز خاک  
 به خاک و گردش شک نگارخانه تنگ  
 به زر دورویه بیاراست قبه‌ای آن‌سان  
 که شد شعاعش بر چشم آفتاب خدنگ

به سنگ مرمری آراست آن حرم پایان  
 که ماند آینه چین ز شرم او در زنگ<sup>۲</sup>  
 نوسشت کلک صبا از برای تاریخش  
 «به بوم این حرم از شاه آسمان فرسنگ»<sup>۳</sup>

#### درب طلا<sup>۴</sup>

درب طلا از خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار است که در سنه ۱۲۲۸ [هجری] ساخته‌اند و روی او را به تخته زرین و سیمین مزین فرموده‌اند و بر دور آن در، کتیبه‌ای است دو قطعه [که] شاعری تخلص

→ زند بود و در ۱۲۱۱ قمری به تهران آمد و در جشن جلوس فتحعلی شاه قصیده‌ای خواند و مورد پسند شاه واقع شد و لقب ملک‌الشعرایی گرفت. صبا در ادبیات فارسی تبحر فراوانی داشت و در لغت عرب چیره‌دست بود و دارای آثار و تالیفاتی است از جمله *شهنشاه‌نامه* شامل چهل هزار بیت، *دیوان شعر*، *خداوندنامه* (مثنوی)، *عبرت‌نامه* و *گلشن صبا*. وی در تهران دیده از جهان فرو بست: نگارستان دارا، ص ۴۰-۴۶؛ *مواد التواریخ*، ص ۳۹۷؛ *مصطفی خراب*، ص ۱۰۶-۱۰۸؛ *مجمع الفصحاء*، ۵/۵۷۲-۶۳۷؛ *صبح گلشن*، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ *سفینه‌المحمود*، ۱/۷۶-۱۱۷؛ *ریاض العارفین*، ص ۲۶۳-۲۶۶؛ *ریحانة الادب*، ۱۱۳/۴۱۲-۴۱۳؛ *گنج سخن*، ۳/۱۸۱-۱۸۶؛ *از صبا تا نیما*، ۱/۲۰۱-۲۸؛ *تاریخ ادبیات ایران براون*، ۴/۱۹۹-۲۰۰؛ *الذریعه*، ۹/۵۹۲؛ *مؤلفین کتب چاپی فارسی مشار*، ۴/۷۶۳-۷۶۴؛ *اثر آفرینان*، ۴/۲۲-۲۳.

۱. مطابق این بیت تعداد مدفونات در زیر قبه منوره به هشت تن بالغ می‌گردد که فاطمه معصومه و هفت بانوی عذرا باشند (نک: *گنجینه آثار قم*، ۱/۴۷۶).

۲. در اصل: «که ماند از او ز شرم در چین زنگ» و تکمیل از *گنجینه آثار قم*، ۱/۴۷۶.

۳. از مصرع «به بوم این حرم از شاه آسمان فرسنگ» ماده تاریخ «۱۲۴۰» استخراج می‌شود که تاریخ ساخت در طلا در زمان فتحعلی شاه قاجار است و اتفاقاً فیض در *گنجینه آثار خویش* به این موضوع به تفصیل اشاره کرده است (نک: *گنجینه آثار*، ۱/۴۷۶).

۴. در طلای فتحعلی شاهی، میانه روضه با ایوان طلا واقع شده و سراپا با صفحاتی از نقره ضخیم متضمن‌کننده کاری و حکاکی بدیع و کتیبه‌های برجسته پوشانده شده است و روی آن با صفحه‌هایی از زرناب به اشکال مختلف میخکوب آراسته و به گل‌های زرین و مزین به کنده کاری و کتیبه‌های متنوع خط برجسته به صورت گوناگون از ضلع منظم و نامنظم بند اسلیمی و کوبکی و ترنج‌های جور به جور آرایش یافته است.

بر چهارچوب (باهو و پل‌های بالا و وسط) هر لنگه و مصرع این در کتیبه‌ای به خط برجسته نستعلیق از آقا مهدی ملک‌الکتاب که روی آن در ترنج‌های کشیده ابیاتی از شاعری گمنام که در منابع و تذکره‌ها، نام وی را نیافتم اما تخلص او «دانش» است، قالب‌ریزی شده است. این در دارای، دو مصرع است در ارتفاع ۳/۲۰ و عرض ۲/۸۰ متر که در سال ۱۲۲۲ قمری به امر فتحعلی شاه قاجار ساخته و پرداخته شده است (نک: *گنجینه آثار قم*، ۱/۶۵۷-۶۵۸).

«دانش» او را به نظم آورده و بر روی صحیفه طلا مینا کرده و آقا مهدی ملک‌الکتاب نوشته است:

خدیدو کشور دوران پناه خلق جهان  
 که شد به عدل و سخا از جهانیان ممتاز  
 طراز مسند و دیهیم شاه فتحعلی  
 که هست فتح و ظفر با لوای او انباز  
 قدر غلام و قضا چاکر آن که طاعت او  
 شده است بر همه کس فرض عین همچو نماز  
 به عهد او که بود گرگ و میش همخوابه  
 ز عدل او که شده باز و صعوه همپرواز  
 غزال طعمه نخواهد مگر ز بیشه شیر  
 حقار چینه نجوید مگر ز چنگل باز  
 ز خلق و خلق بود بی نظیر و بی مانند  
 به عدل و جود بود بی عدیل و بی انباز  
 نهاد پا چه در اورنگ معدلت، فتنه  
 ز بیم او به ضعیفان نکرد دست دراز  
 چه بود خادم پاک اعتقاد این درگاه  
 که سوده اند بر او کاینات روی نیاز  
 دری نهاده بر این آستان عرش نظیر  
 کز آن بود در رحمت به روی خلق فراز  
 تبارک الله از این در که زائرانش را  
 ز هر سریر شود کشف هر نهانی راز  
 چه در در حرم سبط سید ثقلین  
 که از شرافت او یافت بزم قرب طراز  
 چه در در حرم بنت موسی جعفر علیه السلام  
 یگانه اختر برج سپهر و عزت و ناز  
 گل ریاض امامت که طایران حرم  
 حریم گلشن او را شدند زمزمه ساز  
 سپهر عصمت و بحر حیا و معدن شرم  
 امین وحی و محلّ سروش و محرم راز  
 خور از رواق فلک سر نهد به پای درش  
 به هر سحر که کند این رواق را در باز  
 به شوق اینکه در این در دهند جایگهش  
 چه رنج‌ها که طلا را رسید از دم‌گاز  
 هر آن که روی بر این در ز روی صدق آورد  
 دری ز روضه فردوس شد به رویش باز  
 کسی که راه بر این آستان تواند بُرد  
 چه حاجتش که شود ره‌نورد سوی حجاز

دل از زیارت این در به حق شود نزدیک  
 که عارفان به حقیقت برند پی ز مجاز  
 نخست روی بر این آستان نهد هر کس  
 که رستگاری انجام خواهد از آغاز  
 غرض چو کرد بر این آستان بنا این در  
 که بیشتر ز در کعبه باشدش اغراز  
 نگاشت خامه «دانش» برای تاریخش  
 «که سوی جنت اعلا دری ز نو شد باز»<sup>۱</sup>

و این دو رباعی از مرحوم فتحعلی خان ملک الشعراست که بر هر تایی از در روضه مطهره، یکی از این دو رباعی به صفحه طلا مینا کرده، به خط آقا مهدی ملک‌الکتاب طهرانی نوشته شده:

این در که ز سبط خواجه هر دو سراسر است  
 این جای سروش و مهبط نور خداست  
 ساید رُخ خود هر که بر این در امروز  
 آسوده ز بیم رستخیز فرداست  
 رباعی دیگر:

خواهی که خجل ز اهل محشر نشوی  
 وز کرده خویشتن مکدر نشوی  
 تا جان به تن و تن به جهانت باقی است  
 یک لحظه جد از خاک این در نشوی<sup>۲</sup>

اطراف این در روضه مطهره، سنگ مرمر است؛ بر آن سنگ این قصیده فتحعلی خان صبا ملقب به «ملک الشعرا» به خط آقا مهدی ملک‌الکتاب، در کمال امتیاز به خط خوب نوشته شده و قصیده ماده تاریخ است:

این بارگاه<sup>۳</sup> بضعة موسی بن جعفر است  
 کز خاک پاک غیرت گوگرد احمر است  
 این آستان آن حرم آمد که جبرئیل  
 در بام عرش پایه آن چون کبوتر است  
 کسوتر نتیجه‌ای است ز آب زلال او  
 کز ابر چشم زائر این در مقطر است  
 در آب آن لطافت تسنیم مدغم است  
 در خاک این طراوت فردوس مضمهر است

۱. مصرع «که سوی جنت اعلا دری ز نو شد باز» به حروف ابجد مساوی است با عدد (۱۲۸۲) که با تاریخ ساخت و پرداخت این در، در ۱۲۲۲ قمری، سازگار نیست، که یا در ضبط و نقل و یا در قالب‌ریزی اشتباهی رخ داده است (نک: گنجینه آثار قم، ۶۵۹/۱-۶۶۰).  
 ۲. گنجینه آثار قم، ۶۶۰/۱.  
 ۳. در گنجینه آثار قم، ۵۰۱/۱ «آستان».



لبیک زائران و خروش معلّمان  
صد ره ز صوت شهپر جبریل خوشتر است  
رشک بهشت و غیرت ایوان آسمان  
از همّت خدیو جهان بوالمظفر است  
دارای عهد فتحعلی‌شه که تیغ او  
در راه فتنه ثانی سدّ سکندر است  
چون داده زیب افسر از این خاک آستان  
گردنش آستانه و خورشیدش افسر است  
زان رو که روی سوده بر این در زروی صدق  
رخسار خسروانش زمین سای بر در است  
در این حریم کامده همپایه حرم  
ایوان و قبه آمد از او زیب و زیور است  
کلک صباش از پی تاریخ زدرقم  
«کز دل مدام چهر سلاطین بر این در است»<sup>۱</sup>

بر سنگ بالای در طلا این شعر که از گفته صبا است، مکتوب است:

دارای دهر فتحعلی‌شه که تیغ او  
در ملک و دین سلاله شمشیر حیدر است<sup>۲</sup>

بر سنگ پایین این در که متصل به زمین است، این رباعی ملک الشعرا [صبا] به سنگ مرمر منقور و حجاری شده است:  
این در که بر این درگه بی‌شبه و نظیر  
آید ز گشودن وی آهنگ صریر  
گویی ملکی بوده که از بهر طواف  
چون بال‌گشاید زند از شوق صفر<sup>۳</sup>

در نقره دو زوج است، یک زوج در، در حرم مطهر باز می‌شود و زوج دیگر به طرف رواق آینه. بانی این دو زوج در، حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه قزوینی<sup>۴</sup> است که در سنه ۱۳۱۰ هجری این یک زوج در را که مشرف به حرم مطهر است، وقف نموده است.<sup>۵</sup> کتیبه دور در حرم به این اشعار مزین است و ناظم این اشعار شاعری است شیرازی «شوریده»<sup>۶</sup> تخلّص:

تبارک‌الله از این روضه بهشت طراز  
که بر گذشته نشیث<sup>۷</sup> سپهر را ز طراز

۱. در مصرع «کز دل مدام چهر سلاطین بر این در است» به حذف «ک» از آغاز و کلمه «بر» از وسط مصرع، تاریخ ۱۲۲۱ استخراج می‌شود که سال ساخت به دست می‌آید (نک: گنجینه آثار قم، ۵۰۲/۱-۵۰۳).

۲. گنجینه آثار قم، ۵۰۱/۱.

۳. همان، ۵۰۳/۱.

۴. حسینقلی‌خان مافی پسر شریف خان قزوینی، ملقب به «نظام السلطنه» (۱۲۴۸-۱۳۲۶ ق/ ۱۸۳۲-۱۹۰۸ م) از رجال معروف دوره قاجار. وی در آغاز جزو منشیان دستگاه حکومتی سلطان میرزا حسام السلطنه پسر سیزدهم عباس میرزا نایب السلطنه بود و به همراه وی به فارس و خراسان و تهران رفت و از طرف وی دارای مناصب و مشاغلی چون حکومت بوشهر، اصفهان و برخی ایالت‌های دیگر گردید و در ۱۲۹۱ قمری که به حکومت یزد منصوب شد ملقب به «سعد الملک» گردید و در سفر قم همراه ناصرالدین شاه بود و از جانب وی ملقب به «نظام الملک» شد و برادرش محمد حسن خان نیز به «سعد الملک» ملقب گردید. این دو برادر در حکومت قاجاریه دارای مقام‌ها و مناصب‌های گوناگون شدند. نظام‌السلطنه، در ۱۳۲۶ قمری، در تهران دیده از جهان فرو بست و امامزاده عبدالله جنب حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری در آرامگاه اختصاصی خویش به خاک سپرده شد: تاریخ معمودی، ص ۲۳۴-۲۳۵؛ سیاستگران دوره قاجار، ص ۵۲؛ شرح حال رجال ایران بامداد، ۴۴۸/۱-۴۵۶.

۵. این در را نظام السلطنه و برادرش سعد الملک با هم اهدا کردند (نک: گنجینه آثار قم، ۶۶۰/۱-۶۶۱).

۶. محمد تقی فرزند عباس شیرازی متخلّص به «شوریده» (۱۲۳۶-۱۳۴۵ ق/ ۱۸۲۱-۱۹۲۶ م) شاعر و ادیب و ملقب به «مجد الشعرا» و «فصیح الملک» در شیراز پایه هستی نهاد و در هفت سالگی نابینا و در نه سالگی پدرش را از دست داد. او به دلیل هوش سرشاری که داشت به فراگیری علوم پرداخت و در مدّت کوتاهی در شعر و شاعری بلند آوازه گردید. در سال ۱۳۱۱ قمری به همراه حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی قزوینی از شیراز به تهران رفت و مورد توجه ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار قرار گرفت و از جانب ناصرالدین‌شاه ملقب به «مجدالشعرا» و «فصیح‌الملک» گردید و قریه «بورنجان فارس» نیز به او بخشیده شد. شوریده در قصیده و غزل و طنز و مطایبه دستی قوی داشت و در سرودن اشعار عامیانه که مشتمل بر اصطلاحات مردم فارس بود، مهارت و چیرگی فراوانی داشت. در اواخر عمر، تولید افتخاری مقبره سعدی را پذیرفت و در تعمیر آن کوشش فراوان کرد. وی در همان زادگاهش در ۱۳۴۵ قمری (برخلاف نوشته اثر آفرینان که درگذشت وی را ۱۳۰۵ ق نوشته)، چشم از جهان فرو بست و در جوار قبر سعدی، به خاک سپرده شد. برخی از شاعران معاصر او مانند: شعاع الملک، محمد جواد کمپانی، وحید دستگردی، عباس فرات یزدی و عبرت نایینی، در سوگ وی مرثیه‌هایی سرودند.

آثار بر جای مانده‌اش عبارتند از: دیوان غزلیات، آذر (که هر دو چاپ شده‌اند)، کشف الموائد (در ماده تاریخ‌های مختلف)، نامه روشندان (در شرح حال نایبانیان معروف). او کلیات سعدی را به دستیاری میرزا محمود ادیب خوشنویس، با نسخه‌های خطی مقابله و تصحیح کرد و در چاپخانه مظفری بمبئی هند به چاپ رسانید: مرآت الفصاحه، ص ۳۱۸-۳۲۳؛ مکارم الآثار، ۲۰۷۷/۶-۲۰۷۸؛ فارسنامه ناصری، ۱۱۷۲/۲-۱۱۷۳؛ حدیقه الشعراء، ۸۷۶/۲-۸۸۱؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی، ۳۲۳/۳، ۳۶۳؛ آثار عجم، ص ۲۶۶-۲۶۸؛ از صبا تا نیما، ۱۸/۲-۱۹؛ زندگینامه رجال و مشاهیر، ۱۳۱/۴-۱۳۲؛ اثر آفرینان، ۳۷۳/۳؛ الذریعه، ۵۴۷/۹-۹۶۲.

۷. در اصل: «که کشته سپهر را ز طراز».

بر آستانش که محراب راستان حق است  
 سپهر پشت بچم کرده از برای نماز  
 فضای او چه فضای ارم نشاط افزاست  
 هوای او چه هوای بهشت غم پرداز  
 به خاک اوست نهان طرفه گوهری کز قدر  
 ز هفت گوهر این نه صدف بود ممتاز  
 بنام فاطمه معصومه آفتاب حیات  
 که اُخت خسرو طو س راست ودخت شاه حجاز  
 گل حدیة عصمت چه از نهیب عفاف  
 نسیم را به سرا پرده اش نبوده جواز  
 بدور باش حیا آفتاب گردون را  
 ز پیش راند همی تا به چرخ چارم باز  
 اگر مطیع نیاکان او نشد داود  
 نبد بساط خلافت چنین بلند آواز  
 چه گشت ماه تموز از هزار و سیصد و ده  
 به عهد ناصر دین پادشاه بنده نواز  
 شهی که از اثر پاس و تیزی عدلش  
 سپاس میش کند گرگ و پاس تیهو باز  
 نظام سلطنت آن میر سرفراز، دری  
 ز نقره کرد در این کاخ دلفروز فراز  
 یگان برادر رادش خجسته سعد الملک  
 که در سعادت بر مشتری فروشد ناز  
 دو گوهر از یک درج و دو اختر از یک برج  
 به کار سازی دولت به هم شده دمساز  
 به کار خیر چه علم و خرد به هم همدست  
 به بذل نور چه شمس و قمر به هم انباز  
 سه خواهران که بر این هفت باب گردوندند  
 ز جود این دو برادر کنند کسب جهاز  
 از این دری که به قم باز شد از این دو امیر  
 گذشت فروة قم از دیار روم و طراز  
 پی سرودن تاریخ این در سیمین  
 صلادند به «شوریده» شاعر شیراز  
 سرود منطق «شوریده» بهر تاریخش  
 «در این رواق همایون در جنان شد باز»

## در شیشه

در شیشه و آن عبارت از در «دارالحفاظ»<sup>۲</sup> است که مقابل در طلاست.  
 بانی او جناب حاج میرزا محمد باقر متولی باشی است که سنه ۱۳۳۷

[هجری] تاریخ آن می باشد. بر تالی اول، در بالای آن نوشته است:

در گه دختِ امام هفتمین  
 که ملایک سوده بر این در جبین  
 بر تالی دیگر نوشته:

این ندا آید به گوش زائرین  
 ادخلوها بسلام آمین

کتیبه دری<sup>۳</sup> که در رواق باز می شود، به این اشعار مزین است:

۱. مصرع «در این رواق همایون در جنان شد باز» به حروف ابجد مساوی است با عدد (۱۳۰۶) که تاریخ ساخت این در را نشان می دهد. اما چنانکه در منابع آمده است، نظام السلطنه مافی و برادرش سعدالملک مافی (اهدا کنندگان این در) حدود سال ۱۳۱۰ قمری که سال نصب این در بوده، به قم آمده اند و در حضور آنان نصب شده است. بنابراین مصرع تاریخ را باید چنین نوشت: «در این رواق همیون در جنان شده باز» یعنی «الف» در کلمه «همایون» حذف کرد و به شکل «همیون» شمارش کرد و حرف «ه» را دنبال کلمه «شد» اضافه کرد و آن را «شده» خواند تا تاریخ ۱۳۱۰ به دست آید و این نشان می دهد که به هر دو وجه باید خوانده شود تا تاریخ پرداخت و ساخت (۱۳۰۶) و نصب (۱۳۱۰) حاصل گردد. نویسنده خطوط و طراح نقش ها میرزا محمد ابراهیم فیض نقاش باشی قمی، و استاد هنر مند آن محمد تقی زرگر و عدد ابیات ۱۸ است (نک: گنجینه آثار قم، ۶۶۱/۱-۶۶۲).

۲. در مدخل روضه مطهر، در وسط اسپر ایوان طلا، ایوانچه ای است که به نام «دارالحفاظ» خوانده می شود و این تسمیه از دو جهت قابل توجه است: یکی از آن رو که کشیکچی شبانه که مسئول حفاظت نفایس و اشیای داخلی روضه است، شب ها در این جا بیتوته می کرده و دیگری آن که حافظان قرآن و قاریان آستانه مبارکه، در دو طرف این ایوانچه می نشستند و به قرائت و حفظ قرآن می پرداختند. این ایوانچه مزین به کاشی های معرق با زمینه لاجوردی خوش نقش و شفاف است: گنجینه آثار قم، ۴۹۹/۱.

۳. در نقره دوم میان رواق با ایوان آینه نصب شده و دارای دولنگه است که از جانب نظام السلطنه مافی در سال ۱۳۱۴ قمری اهدا و نصب شده است. این در چنانکه اشاره شد، نقره پوش و متضمن نقوش زیبا و بدیع و کتیبه ای است که استاد هنر مند محمد تقی زرگر آن را ساخته است. ارتفاع آن ۳/۱۵ متر و آراسته به ترنج هایی زرین و میخکوب و مشتمل بر اسامی جلاله که در حاشیه هر مصرع آن روی باهو، کتیبه ای به خط نستعلیق استاد میرزا محمد ابراهیم فیض نقاش باشی قمی، تعداد چهارده بیت از سروده های محمد تقی شوریده شیرازی قالب ریزی شده است. از تاریخ آخر این ابیات که سال ساخت و نصب این در را نشان می دهد به خوبی می توان فهمید که شوریده شیرازی در سال ۱۳۱۴ قمری زنده بوده است و این که در برخی منابع آمده که وی در ۱۳۰۵ قمری در گذشته، درست نیست، زیرا امکان ندارد شاعری از غیب خبر دهد و ابیاتی را در تاریخ ساخت و پرداخت و نصب دری بسراید که حدود نه سال پس از مرگش ساخته و نصب شده باشد. و چنانکه اشاره کردیم وی در ۱۳۴۵ قمری در گذشته است (نک: فرهنگ سخنوران، ۵۲۵/۲: گنجینه آثار، ۶۶۲/۱-۶۶۳).

دری ز سیم بقم برگشاد از نو میر  
 که در شرف ز زمین بر شد از سپهر اثیر  
 به عهد دولت سلطان مظفرالدین شاه  
 که گاه جود کفش خنده زد به ابر مطیر  
 خجسته حضرت معصومه آن که برمه و خور  
 دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر  
 نعال خادم او گوشوار گوش سپهر  
 غبار درگه او توتیای چشم بصیر  
 بلی شرف همه زین در بود که مشرف اوست  
 رواق فاطمه دخت امام عرش سریر  
 کریمه‌ای که فروغش گرفت عالم را  
 چنانچه عالم را آفتاب عالم گیر  
 اگر به دیده معنا نظر کنی بینی  
 که سطح در به فراز است و سطح چرخ به زیر<sup>۱</sup>  
 نظام سلطنه اعظم حسینقلی خان آنک  
 که نوک خامه وی ریخت آب خامه تیر  
 وزیر ناصح همنام نامجو آورد  
 ادیب پاک و دل پاک و رأی پاک و ضمیر  
 فشانده نقره و از نقره ساخت این در را  
 چنانکه روی در از رشک شد به رنگ زریر  
 ز جود او در خیرات در جهان شد باز  
 زهی ستوده امیر و خهی خجسته وزیر  
 ز شرم این در سیمین شگفت می‌نمود  
 که سر به بوته خجلت فرو برد اکسیر  
 همی به بام رواق فلک بدین درگاه  
 رسد ز سین<sup>۲</sup> سلام ملک به گوش صغیر  
 سرود منطق «شوریده» سال تاریخش  
 «دری ز سیم بقم برگشاد از نو میر»<sup>۳</sup>

این رباعی [نیز] بر سنگ مرمر پایین این در نوشته [شده است]:  
 ای سجده گاه خلق جهان آستان<sup>۴</sup> تو  
 باریده فیض حق به جهان ز آسمان تو  
 در حادثات هر دو جهان انس و جان همه  
 بنهاده سر به درگه دارالامان تو<sup>۵</sup>

#### در خاتم<sup>۶</sup>

در خاتم دو زوج است که از طرف مسجد بالای سر طرف حرم مطهره  
 باز می‌شود. یک زوج در طرف مردانه، زوج دیگر طرف زنانه، دری  
 که طرف مسجد مردانه است، بانی او میرزا نصرالله خان فراهانی<sup>۷</sup>

برادر دبیرالملک<sup>۸</sup> است و در کمال امتیاز است. کتیبه این در یک بند  
 از دوازده بند محتشم - علیه الرحمة - است که در دور آن ثبت است  
 و مطلع آن این است:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا

در خاک و خون فتاده به میدان کربلا

در دیگر بانی آن عزت الدوله،<sup>۹</sup> همشیره ناصرالدین شاه قاجار

۱. مؤلف بیت اول را به این شکل آورده است:

اگر به دیده معنا نظر کنی بینی

دری ز سیم بقم برگشاد از نو میر

و سطر هفتم را به این شکل:

که در شرف ز زمین بر شده سپهر اسیر

که سطح او به فراز است و سطح چرخ به زیر

اما ما در این جا این دو بیت را به شکلی که فیض آورده، قرار

دادیم که به نظر می‌رسد صحیح آن چنان است (نک: گنجینه آثار قم،  
 ۶۶۲/۱).

۲. در اصل: «ز سیم».

۳. مصرع: «دری ز سیم بقم برگشاد از نو میر» به حروف ابجد مساوی  
 است با (۱۳۱۴) که سال ساخت و نصب این در را نشان می‌دهد.

۴. در اصل: «آشیان» که به نظر می‌رسد «آستان» صحیح است (نک:  
 گنجینه آثار قم، ۶۶۳/۱).

۵. گنجینه آثار قم، همانجا.

۶. در روضه مطهره درهایی بوده و هست که بعضی تجدید و برخی  
 بکلی برداشته شده‌اند، مانند همین در خاتم و منبتی که میانه روضه با  
 گنبد شاه عباس یا مسجد بالاسر مردانه و زنانه نصب بوده که اینک به  
 موزه آستانه منتقل شده است (نک: گنجینه آثار قم ۶۵۷/۱).

۷. میرزا نصرالله خان فراهانی، از رجال دوره قاجار که در سده  
 سیزدهم می‌زیسته، اما هیچ اطلاعی از شرح حال وی در منابع و مآخذ  
 نیافتیم.

۸. میرزا محمد حسین دبیرالملک فراهانی (۱۲۲۵-۱۲۹۷ ق/۱۸۱۰-۱۸۸۰ م) از رجال دوره قاجار که در ۱۲۷۶ قمری به عضویت  
 شورای دولتی یازده نفره ناصرالدین شاه قاجار در آمد. او در طول  
 دوران زندگی خود، متصدی وزارت رسائل (وزارت دارالانشاء)، امور  
 حکومتی تهران و خالصجات؛ حکومت کرمان، اراک، در جزین،  
 پست خانه‌های راه آذربایجان، تولیت آستان قدس رضوی، وزارت  
 کشور، را به عهده داشت و در ۷۲ سالگی در تهران دیده از جهان فرو  
 بست: تاریخ منتظم ناصری، ۱۸۲۲/۳، ۱۸۶۰، ۱۸۸۵، ۱۸۹۲، ۱۹۰۴،  
 ۱۹۲۳، ۱۹۳۸، ۱۹۴۸، ۱۹۶۴، ۲۰۰۴، ۲۰۹۹؛ چهل سال تاریخ ایران (المآثر  
 والآثار)، ۳۹/۱، ۴۵، ۵۳، ۶۰، ۹۹، ۱۵۷، ۳۰۷، ۳۵۴، ۳۵۶، ۵۲۳/۳، ۷۱۳،  
 ۷۱۵، ۷۲۲؛ شرح حال رجال ایران بامداد، ۳۸۳/۳-۳۸۴.

۹. عزت الدوله، خواهر تنی ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۳۲۳ ق/

۱۸۳۴-۱۹۰۵ م). در ۱۲۶۵ قمری، در شانزده سالگی، همسر میرزاتقی  
 خان امیر کبیر شد و پس از کشته شدن امیر کبیر، تن به ازدواج با میرزا  
 کاظم خان نظام الملک، پسر میرزا آقا خان نوری صدراعظم، داد  
 و پس از او همسر شیر خان اعتضادالدوله (عین الملک خوانسالار)

۱. احمد بن محمد شفیع بن اسماعیل بن شفیع شیرازی، متخلص به «وقار» (۱۲۳۲-۱۲۹۸ ق/ ۱۸۱۷-۱۸۸۱ م) شاعر و ادیب نامور شیرازی و بزرگ‌ترین فرزند وصال شیرازی.

وی در خط نسخ استاد و در خط ثلث و رقاع و شکسته، از چیرگی و مهارت فراوانی برخوردار بود. او خط نسخ را به روش احمد نیریزی می‌نوشت و در طول زندگانی خویش، ده قرآن و صد فقره دعاهای گوناگون، به خط نسخ زیبا نوشت. پس از مرگ پدر خویش، به اتفاق برادرش حکیم شیرازی به هند رفت و در این سفر کتاب مثنوی مولوی را با خط نسخ زیبا و با حواشی و تعلیقات سودمندی که بر آن نوشت، در بمبئی به چاپ رساند. سپس به شیراز بازگشت و پس از مرگ برادرش در ۱۲۷۴ قمری، با دو برادر دیگر خود، توحید و فرهنگ، به تهران رفت و بار دیگر به شیراز مراجعت کرد و در ۱۲۹۸ قمری در ۶۶ سالگی در اثر بیماری استسقا در شیراز چشم از جهان فرو بست و در سمت پایین پای حضرت شاهچراغ احمد بن موسی علیه السلام به خاک سپرده شد. پدر و برادران وی همگی شاعر و از ادیبان این مرز و بوم بودند.

او دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است: انجمن دانش به کوشش دکتر محمود طاووسی در ۱۳۶۶ ش در شیراز منتشر شده است، رموزالاداره یا شرح و ترجمه نامه علی علیه السلام به مالک اشتر نخعی در شیراز در ۱۳۳۱ ش چاپ شده است، بهرام و بهروز، نامه خسروان پارس به کوشش محمد علی صادقیان در ۱۳۵۶ ش انتشار یافته است، نصاب الرجال که در ۱۳۰۹ و ۱۳۳۷ ش منتشر شده است. او دارای بیش از بیست اثر بوده است که در منابع و مآخذ آنها را به تفصیل نام برده‌اند: خاتواده وصال شیرازی، نوایی، ص ۵۱-۱۱۹؛ ریاض العارفین، هدایت، ص ۵۴۸-۵۵۹؛ المآثر والآثار، ص ۲۱۵؛ ریحانة الادب، ۳۳۶/۶-۳۳۸؛ اعیان الشیعه، ۱۱۷/۳؛ آثار عجم، ص ۳۵۶-۳۵۸؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی، ۸۲۱/۴-۸۳۳؛ تذکره الفصحاء، داور، ص ۶۹۷-۷۰۱؛ حدیقه الشعراء، ۲۰۲۸/۳-۲۰۴۰؛ الذریعه، ۳۶۵/۳، ۱۶۵/۸، ۲۷۰/۸، ۱۲۷۶/۹، ۲۱۲/۱۵، ۹۸/۱۹، ۱۴۰، ۳۱۲، ۳۲۲، ۱۲۶/۲۰، ۳۱۰، ۲۱۷/۲۴، ۳۸۴، ۱۱۲/۲۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۴۹۳/۱-۴۹۴؛ بزرگان نامی پارس، ۹۵۶/۲-۹۶۳؛ مجمع الفصحاء، ۵۴۸/۲؛ مکرم الآثار حبیب آبادی، ۹۵۰/۳.

۲. مصرع «کاین در و درگه عزت و اقبال آمد» به حروف ابجد مساوی با عدد (۱۳۱۲) می‌باشد که سال ساخت و نصب این در را نشان می‌دهد.

است و امتیاز این در از در اول بیشتر است. این قطعه را مرحوم میرزا احمد وقار<sup>۱</sup> فرزند وصال شیرازی در تاریخ این در گفته است که در کتیبه دور این در نوشته‌اند:

حبذا این بقعه عالی که از مجد و شرف  
قبلة آمال گشت و کعبه ابدال آمد  
خوابگاه بضعة موسی بن جعفر کز فروغش  
جلوه موسی عیان در چشم اهل حال آمد  
بهر طوف مرقدش سوی قم آمد دخت خسرو  
وز ملک فوجی به تکریمش به استقبال آمد  
دخت شاه و اُخت خسرو عزت الدوله کزو  
پیش دستش حاصل دریا زکان پامال آمد  
دخت میر هفتمین اُخت امام هشتمین است  
کافتابش از شرف چون سایه در دنبال آمد  
عصمت کبری و ناموس نبی همنام زهرا  
کسافتابی از حیای عزت و اقبال آمد  
بر رواق او دری بفرود سر تا پای خاتم  
فتح بابی سخت از این کارش اندر حال آمد  
گفت مصراعی «وقار» از طبع و شد تاریخ این در  
«کاین در و درگه مطاف عزت و اقبال آمد»

→ پسردایی خویش گردید و بعد از مرگ وی با یحیی خان معتمدالملک درآمد و پس از وی به همسری میرزا نصرالله خان، نوکر یحیی خان درآمد و در ۷۳ سالگی چشم از جهان فرو بست. او از امیر کبیر دو دختر به نام‌های تاج الملوک (همسر مظفرالدین شاه و مادر محمد علی شاه قاجار) و همدم الملوک یا همدم السلطنه (همسر ظل السلطان) داشت: چهل سال تاریخ ایران (المآثر والآثار)، ۳۲۶/۱، ۳۳۹، ۴۳۳، ۴۴۵، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۹۶؛ تاریخ منتظم ناصری، ۲۵۰/۱، ۱۲۱۹/۲، ۱۸۹۸/۳، ۲۰۶۳؛ فهرس التواریخ، ص ۴۶۶؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۱۲۱؛ شرح حال رجال ایران بامداد، ۴۳۸/۴-۴۳۹ (پاورقی).